

# اقتصاد

اقتصاددانان در گفت‌وگو با «ایران» پیشنهاد کردند

# جنگ تمام عیار با کسری بودجه

سپاو ش رضایی خبرنگار

در اقتصاد است و بر همین اساس، دولت برای رفع مشکل کسری بودجه در ابتدا باید

تورم را مهار کند.وی افزود: تورم دو موتور پیشران دارد که یکی انتظارات و کاهش سرمایه و اعتماد اجتماعی به دولت و دیگری نقدینگی است. این درحالی است که عامل افت سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران نقش بسیار برجسته‌تری نسبت به سایر عوامل دارد. بدین ترتیب یکی از نخستین گام‌های دولت باید افزایش سرمایه اجتماعی و جلب اعتماد مردم باشد.به گفته وی، دولت با افزایش اعتماد مردم و کنترل نقدینگی از سوی دیگر می‌تواند تورم را به عنوان یکی از عوامل اصلی در پدید آمدن کسری بودجه کنترل کند.

این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه راه دیگر برای تأمین کسری بودجه، افزایش درآمدهای دولت است، افزود: هم‌اکنون بخشی از فعالیت‌های اقتصادی در کشور به صورت غیررسمی و زیرزمینی انجام می‌شود و مالیاتی هم نمی‌پردازد. حال اگر دولت بتواند با شناسایی این بخش‌ها مالیات از آنها دریافت کند باعث رشد قابل توجه درآمدهای دولت خواهد شد.

وی ادامه داد: همچنین صرفه‌جویی و جویگیری از حیف و میل اعتبارات هزینه‌ای و حتی عمرانی، نقش مهمی درمدیریت کسری بودجه دارد. طبق گزارش دیوان محاسبات کشور: ۷۰ تا ۷۰ درصد از اعتبارات بودجه‌های سنواتی حتی در پروژه‌های عمرانی به نوعی حیف و میل می‌شود. به عبارت دیگر افزایش بهره‌وری که طبق قانون باید ۵۰ درصد از رشد اقتصادی را تأمین کند، یکی از راه‌های مؤثر برای رفع مشکل کسری بودجه است.

نصر اصفهانی، تأکید کرد: هم‌اکنون هزاران طرح و پروژه عمرانی نیمه تمام در کشور وجود دارد که سازمان برنامه و بودجه باید با بررسی دقیق و اولویت‌بندی آنها، تنها طرح‌های بسیار

مهم را در دستور کار قرار دهد. در این زمینه باید بخشی از طرح‌ها به بخش خصوصی و مردم واگذار شود و بخشی از طرح‌ها نیز

که توجیه اقتصادی ندارد، تعطیل شود. براساس گفته‌های وی، در این شرایط دولت به هیچ عنوان نباید طرح عمرانی جدیدی را کلنگ بزند. در این خصوص دولت نباید دچار شعارزگی شود و طرح‌های جدیدی را تعریف کند. البته همراهی مجلس با دولت نیز نقش بسیار مهمی دارد تا طرح‌های عمرانی ساماندهی شود.

وی در پاسخ به این پرسش که با توجه به شرایط موجود درسال آینده نیز درآمدهای نفتی کشور تغییر محسوسی نخواهد داشت، دولت چگونه باید درآمد و هزینه‌های خود را متعادل کند، گفت: درمجموع دولت باید درآمدهای نفتی را به عنوان یک متغیر کم اهمیت درمنابع خود در نظر گیرد و وزن زیادی به آن ندهد. اداره کشور با درآمدهای نفتی مسیری بی‌نتیجه یا کم نتیجه است.به گفته وی، هم‌اکنون شرایط بسیار مناسبی برای مسیر جدیدی در اقتصاد بدون اتکا به نفت به وجود آمده است که می‌تواند اقتصاد ایران را وضعیت فعلی نجات دهد. وابستگی به درآمدهای نفتی هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت آثار تسکینی به همراه داشته باشد، اما در بلندمدت تبعات تخریبی به دنبال خواهد داشت که از تمام دوره‌های قبل بیشتر است.

■ **روش‌های تأمین کسری بودجه و آثار آن**

شهرام معینی عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان نیز در گفت‌وگو با «ایران» سه راه اصلی برای تأمین کسری بودجه برمی‌شمرد. حیف و میل می‌شود، کاهش هزینه‌ها، افزایش درآمدهای نفتی و رشد درآمدهای مالیاتی راه‌هایی است که به‌طور عمده پیش‌روی دولت قراردارد.

وی افزود: به‌طور معمول در دوره‌هایی که دولت با افزایش درآمدهای نفتی مواجه می‌شود، اقدام به افزایش مخارج خود می‌کند و در این مسیر علاوه بر افزایش تعداد و حجم پروژه‌های عمرانی، به دو مؤسست غیردولتی بیشتری بودجه می‌دهد و حقوق و دستمزدی را نیز بالا می‌برد.وی ادامه داد: اما پس از

آنکه به دلایل مختلف درآمدهای نفتی افت می‌کند، امکان کاهش این مخارج وجود دارد، هرچند دولت می‌تواند طرح‌های عمرانی خود را متوقف کند، اما سایر هزینه‌ها را باید بپردازد و به همین دلیل کسری بودجه بیشتر می‌شود. این اقتصاددان با اشاره به اینکه کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی راه رستنی است اما به شرط آنکه قابل اجرا باشد، اظهار کرد: درسال‌های اخیر به دلیل رشد نرخ تورم، قدرت خرید کارکنان دولت و حقوق‌بگیرها کاهش یافته است و بدین ترتیب امکان کاهش حقوق و میزان افزایش حقوق‌ها وجود ندارد. معینی اضافه کرد: درخصوص افزایش درآمدها نیز معقول‌ترین راه افزایش درآمدهای نفتی است چرا که هرچه فرصت صادرات نفت را از دست بدهیم بازار جهانی را هم از دست می‌دهیم.

وی همچنین درخصوص فروش اوراق به عنوان راهی برای تأمین کسری بودجه گفت: به‌طور معمول فروش اوراق برای کسری بودجه موقتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال در یک‌سال کشور با یک مشکل مانند بیماری همه‌گیر مواجه می‌شود که هزینه‌ها را بالا می‌برد دراین شرایط با فروش اوراق

بخشی نگری در آمایش سرزمین ممنوع

صفحه ۶



پروژه های نیمه تمام را می توان به بخش خصوصی داد

پیش از انقلاب بدون تعیین محل تأمین منابع مالی هیچ پروژه‌ای را آغاز نمی‌کردند. اما پس از انقلاب به دلایل گوناگون بویژه ویرانی‌های پس از جنگ تصمیم‌گیری‌ها بیشتر احساسی بود تا علمی. به‌همین دلیل اکنون با پروژه‌هایی مواجه‌ایم که به بهره‌برداری نرسیده‌اند. چرا با چنین پدیده‌ای مواجه شدیم؟ واقعیت آن است که هنوز تعریف درستی از پروژه نداریم. مثلاً پروژه‌ای مانند

آزادراه شرق به غرب که قسمت تیریز به بازرگان آن همچنان باقی مانده است را یک پروژه می‌دانیم و پروژه راه‌آهن اصفهان – اهواز یا آزادراه اصفهان به بندر امام را یک پروژه در نظر می‌گیریم. همچنین یک پل روستایی یا یک مدرسه ۵ کلاسه را هم یک پروژه در نظر می‌گیریم. در حالی که همه این پروژه‌ها قابلیت اجرا ندارند یا دارای توجیه اقتصادی نیستند که بخواهیم آنها را ادامه دهیم. بنابراین آنچه باقی می‌ماند بایستی ابتدا این پروژه‌ها را تسویه بشوند یعنی اینکه مشخص شود تکمیل کدام پروژه‌ها ضروری است. به عنوان مثال به‌علت عدم تکمیل سد بختیاری در بالادست که چیزی حدود چندین میلیارد دلار در دوره سازندگی در آن سرمایه‌گذاری شد خسارت‌های سنگینی به استان خوزستان وارد شده است. این پروژه یک پروژه کلیدی و حیاتی است و هزینه سنگین آن بالغ بر ۴ میلیارد دلار است. ما اسم این را یک پروژه می‌گذاریم و انجام آن غیر قابل اجتناب است. بنابراین پروژه‌هایی که ساز آن نام می‌بریم، به غلط هم برخی از مواقع به‌صورت ناتمام باقی مانده‌اند. این واقعیت وجود دارد که از بین پروژه‌ها تعداد بسیاری از آنها از قالب توجیه پذیر خارج می‌شوند بنابراین ادامه آنها ضروری نیست و نباید انجام بگیرد اما در رابطه با این که عنوان می‌شود برای تکمیل این پروژه‌ها به مبلغی بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان منابع مالی نیاز است که طبیعتاً دولت چنین منابع مالی را ندارد. دولت‌های خارجی به مددیل تحریم‌ها به ایران وام نمی‌دهند. بنابراین گزینه‌ای که باقی می‌ماند و آقای رئیسی هم در صحبت‌های خود به آن اشاره کردند این بود که برنامه می‌بایستی با در نظر گرفتن ادامه تحریم‌ها انجام شود و تأمین منابع مالی از طریق داخل باشد که خوشبختانه با توجه به مصوبه‌ای که اخیراً سازمان بورس و اوراق بهادار ابلاغ کرده است زمینه واگذاری این طرح‌ها در صورتی که دولت انعطاف‌پذیری لازم را نشان دهد از طریق بخش خصوصی قابل تأمین است. به‌طور مثال دولت بایستی قیمت خرید برق و سد برق آبی را به‌گونه‌ای تعیین کند که سرمایه‌گذار بخش خصوصی رایش جذابیت داشته باشد. اینکه آژادراه که ساخته می‌شود بایستی به‌گونه‌ای قانون فعلی تغییر پیدا کند که صرفه‌جویی‌های ناشی از کاهش مصرف سوخت به سرمایه‌گذار انتقال پیدا کند یعنی منفای که نصیب اقتصاد ملی می‌شود اینها به سرمایه‌گذار انتقال پیدا کند. اگر چنین اقداماتی صورت بگیرد اتمام خیلی از پروژه‌ها امکان پذیر است. حتی سدهای مخزنی که وزیر جدید نیرو از آن صحبت کرد با این توضیح که ما در طول ۴ سال آینده ۵ میلیارد ۴۰۰ میلیون متر مکعب به حد ذخیره به‌سرمایه‌گذار انتقال پیدا کند هم توسط بخش خصوصی قابل انجام هستند به شرطی که دولت انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی را فراهم کند. یعنی آب ذخیره شده را به‌گونه‌ای در نظر بگیرد که برای سرمایه‌گذار مقرون به صرفه باشد. درواقع اگر دولت بتواند با سیستم‌های انگیزشی به‌گونه‌ای در بخش خصوصی این احساس را ایجاد کند که سرمایه‌گذاری‌شان امنیت دارد و از سودآوری لازم برخوردار خواهد بود طبیعتاً به ادامه دادن این پروژه‌ها اقدام می‌کنند اما آنچه مهم‌تر است مصوبه اخیر سازمان بورس و اوراق بهادار است که تقریباً یک ماه پیش ابلاغ شده است و بر پایه آن تأسیس شرکت‌های سهامی عام پروژه محور برای آغاز پروژه‌های جدید و استراتژیک و همچنین تکمیل پروژه‌های ناتمام به شرط سود آور بودن از طریق بورس امکان پذیر خواهد بود. بنابراین تنها راه‌کار باقی مانده تسعین بورس است.

یادداشت



بهمن آرمان اقتصاددان

